

یادکرد تاریخ بیهقی در عقد الجواهر فی انساب الاکابر

علی صفری آق قلعه

نسخه‌شناس و پژوهشگر متون ادبی
alisafari_m@yahoo.com

مجموعه ۱۵۸۹ فاضل احمدپاشا در کتابخانه کوپرولو و مجموعه ۱۴۴۷ کتابخانه حمیدیه دو بخش از يك مجموعه بسیار بزرگ و بی‌نظیر هستند که در روزگاری دور، از یکدیگر جدا شده‌اند. بخش دیگری از همان مجموعه نیز اکنون به شماره ۱۹۳ در کتابخانه دهگان (اراک) نگهداری می‌شود. در میان این بخش‌های جدا شده، تاریخ مجدولی به زبان فارسی هست از احمدبن ابی‌سعد الداؤنی المشکانی با نام عقد الجواهر فی انساب الاکابر که به سال ۵۶۰ ق نگاشته شده است. مقدمه این اثر اکنون در مجموعه ۱۵۸۹ فاضل احمدپاشا است اما بخش تاریخ مجدولش در مجموعه ۱۴۴۷ حمیدیه درج شده است. در جایی از اثر (ص ۳۹۳ ر حمیدیه) آنجا که به «طبقه آل محمود سبکتکین» اشاره شده، از خواجه ابوالفضل محمدبن الحسین الکاتب البیهقی (ف ۴۷۰ ق) و کتابش تاریخ بیهقی چنین یاد شده است:

چنین گوید خواجه ابوالفضل محمدبن الحسن (کذا) البیهقی الکاتب که از سلطان یمین الدوله و امین‌المله محمود بن سبکتکین اباد الله برهانه شنیدم که او از پدر خویش شنیده بود که گفت پدرم را جوق نام بود و به زبان ترکی او را قرا بجم خواندندی و بجم به زبان ترکان، نشان مبارزان بود ... الخ^۱

اما آنچه در آنجا بیش‌تر جلب توجه می‌کند عبارتی است که اندکی سپس‌تر آمده و در آن به شمار مجلدات تاریخ این دانسته‌ها در طبقات ناصری نیز با اختلاف عبارات از قول بیهقی یاد شده است.

بیهقی اشارت شده است:

و تاریخ این خاندان ابوالفضل بیهقی کرده‌ست به پارسی به هفت مجلد و به تازی یمینی عتبی کرده‌اند [کذا] و ما از اخبار ایشان بر قاعده کتاب، مختصری یاد کنیم ...

نیز پس از آن (ص ۳۹۳ پ) در ذیل یادکرد محمود غزنوی آمده:

... و در هفت مجلد تاریخ یمینی که ابوالفضل بیهقی کرده‌ست، شرح اخبار و آثار او بیاید. درین مختصر نام و القاب او نوشته شد.

این نکته درباره تاریخ بیهقی همواره بحث‌انگیز بوده که آنچه از این متن به دست ما رسیده، چه اندازه از اصل اثر است. برخی از پژوهشگران، اشاراتی را که در متون به اندازه این اثر درج شده، قرائنی برای استنتاج‌های خود نهاده‌اند. برای نمونه یکی از کهن‌ترین این اشارات در تاریخ بیهق (نگارش ۵۶۳ ق، ص ۳۰۳ چاپ حیدرآباد) چنین است:

و تاریخ ناصری از اول ایام سبکتکین تا اول ایام سلطان ابراهیم روز به روز را تاریخ ایشان بیان کرده است و آن همانا سی مجلد منصف زیادت باشد. از آن، مجلدی چند در کتابخانه سرخس دیدم و مجلدی چند در کتابخانه مهد عراق - رحمها الله - و مجلدی چند در دست هر کسی و تمام ندیدم.

چنان که می‌بینیم، اثر مورد نظر ما یعنی عقد الجواهر فی انساب الاکابر در سال ۵۶۰ ق یعنی سه سال پیش‌تر از تاریخ بیهق نگاشته شده است. جالب توجه آنکه یکی از دو نویسنده، این اثر را در هفت مجلد و دیگری در بیش از سی مجلد دانسته است. از سویی می‌دانیم قطع نصفی - که بیهقی بدان اشاره کرده - يك قطع نسبتاً بزرگ بوده؛ چرا که برای نوشتن نامه به پادشاهان و بزرگان از قطع‌های بزرگ استفاده می‌شد و اتفاقاً یکی از نویسندگان سده ششم یعنی محمدبن عبدالخالق میهنی در کتابش دستور دبیری (ص ۱۲) اشاره کرده است که به پادشاهان و بزرگان بر «قطع نصفی» نامه می‌نوشتند:

قطع کاغذ: بر «نصفی»، سلاطین و امرا [را] نویسند یا



اشاره به تاریخ بیهقی در مجموعه ۱۴۴۷ کتابخانه حمیدیه

بنابراین با توجه به اختلافی که در اثر تغییر قطع نسخه و اندازه قلم پدید می‌آید، نمی‌توانیم به آسانی دربارهٔ اندازه تاریخ بیهقی گفت‌وگو کنیم و شاید بهتر

نواب دواوین ایشان چون وزیر و مستوفی و دبیر؛ و هرکه بیرون ازین است، بر «ثلثی» باید؛ و بعضی شرط کرده‌اند که ملطفه، کم از «ثلثی» باید به عرض

باشد که اندازه افتادگی‌های نسخه را با توجه به ارجاعات خود بیهقی به بخش‌های دیگر اثر تخمین بزنیم. همچنین به بررسی آگاهی‌هایی پردازیم که از آن کتاب در منابع دیگر درج شده است. با این حال، گردآوری اشارات متون دربارهٔ اندازه اثر - که عمدتاً برای نشان دادن حجم بالای آن بوده - شاید برای پژوهش‌های سپسین راه‌گشا باشد و یادداشت کنونی نیز با همین هدف به قلم آمد.



پس اختلاف میان مجلدات تاریخ بیهقی که میان روایات دو نویسنده پیش گفته دیده می‌شود، می‌تواند مرتبط با اختلاف اندازه قلم کتابت نسخه‌ها بوده باشد. از سویی می‌بینیم که خود ابوالفضل بیهقی در جایی از تاریخ بیهقی (ص ۱۹۰ یا حقی و سیدی) به حجم بزرگ اثرش تلویحاً تصریح دارد:

من تاریخی می‌کنم پنجاه سال را که بر چندین هزار ورق می‌افتد و در او اسامی بسیار مهتران و بزرگان است از هر طبقه ...

